

به تعبیر دیگر طلعت موعود: حشر عالم در آدم... یوم مشهود نشر آدم در عالم می باشد بعبارت دیگر - قیام صغری - یوم اللقاء، قیامت کبری: یوم الجزا میباشد؛ روز اکتونکه باید دانست که اذعان بر روز لقا شرط کمال انسان و ایمان به روز جزا (یوم الدین) ضروری همه ادیان است.

پس ای اهل ادیان بدانید که باطنیه و اتباع آنها - با تبدیل آیات کتاب آفاق به آیات کتاب انفس، یا تحویل یوم مشهود به طلعت موعود، یا تأویل قیامت جهان به قیام انسان: منکر یوم الدین و خارج از آمین گردیدند.

«کلا انهم یومئذ عن ربهم لمحجوبون!»
 وزودا که خواهید دانست که اینان همان طلعت موعود را نیز نشناخته اند زیرا نه تنها خود بینی حجاب خود بینی است بلکه کور خدا کور خود نیز هست که معلول را جز از مجرای علت نتوان شناخت «نساء الله فانساهم انفسهم» فعلا بهمین قدر خاطر نشان می سازیم که در این کوری هم فرق بین باطنیه و اتباع آنها اینکه انسان سارق اصیل اینان سارق دخیل هستند!

در اینجا برای آنکه رشته مطلب قدری طولانی شد یاد آور میشویم که از دو اعتراض احتمالی مزبور یکی آنکه چگونه بصرف موت قیامت قائم است، دیگر آنکه این تأویل با تأویلات باطنیه که در حقیقت انکار معاد و نفی روز جزا می باشد - چه فرق دارد؟ - جواب اعتراض اول در طی همین مطالب مذکور بتفصیل بیان شد و اما جواب اعتراض دوم اینکه باطنیه اصلاً معنی تنزیل و تأویل را نشناخته اند که تأویل و تنزیل کتاب آسمانی: یک مبحث ادبی می باشد -

باین معنی که تنزیل عبارت باشد از معنای مطابقی لفظ و تأویل عبارت باشد از لازم معنا یا یکی از مناسبات آن (که باب مجاز را تشکیل میدهد) ۱۱ -

ما اینک برای روشن شدن مطلب نمونه می از گفته های منظوم این قوم را در این باب ذکر مینماییم:

در نهمصد سال پیش ناصر خسرو علوی میگوید: (شعر)

ای حجت بقعه خراسان با خصم مکن جدال چندین

در دولت فاطمی بیساکن دیوانت بشعر حکمت آگین
تا نور بر آورد ز مغرب تاویل نماز با مدادین
فحوای این کلام اینست که «توای آفتاب حقیقت از مغرب طبیعت بر آئی تا
نماز با مدادین تاویل شود و بگذار که خصم دجال جو (که از دیدار مهدی کور است)
در ضلال جدال بماند ۱۱»

در دو بیست سال پیش هم محمد هازندرانی می گوید - (شعر)
مرا عقل نخستین این چنین گفت که این عالم ز مهر حق بخار است
فلك دیوانه می بیهوده کرد است جهان شوریده می آشفته کار است
چو سیم ناسره نادان فریب است چو مرد بوالعجب ابله شکار است
تو در دوزخ دری و می ندانی که این عالم همان سوزنده نار است
علائق هر یکی قعری ز دوزخ عوائق هر یکی در وی شرار است
البته خواننده هوشیار که با این منطوق معجزات انبیاء (ع) قیامت، حشر و نشر
بهشت و دوزخ تاویل (یعنی مجاز توجیه می شود و باین وسیله هر که دارای يك فكر
شاعرانه باشد می تواند تمام آیات متشابه کتب آسمانی را به آئین شعری توجیه نموده
به وجود خود تطبیق و دعوی نبوت کند.
شما آثار کلیه اشخاصی را که از بدو ظهور اسلام تاکنون ادعای مهدویت یا دعوی
نبوت نموده اند ملاحظه کنید تا به بینید که جز يك مشت تأریلات بارده (بافتنی های
شاعرانه) چیزی نیست:

و چنانکه خداوند کریم در تنزیل حکیم بیان می فرماید: این گروه ماجراجوی
همواره از محکمت آیات طرف بسته بسراغ متشابهات می روند.

«هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمت هن ام الکتاب و آخر متشابهات
و اما الذین فی قلوبهم فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویل و ما یعلم تأویل
الا لله و الراسخون فی العلم یقولون آما به و ما یذکر الا لولا لایاب»
در صورتیکه نه تنها تنزیل و تاویل: امر شاعرانه و بمعنی مدلول حقیقی و مفهوم

مجازی نیست بلکه امر معکوس و مطلب بالاتر از مبحث منطوق و مفهوم میباشد.